



سیاست‌های عربستان سعودی علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران در ژئوپلیتیک عراق نوین (۲۰۲۳-۲۰۰۳) مجید عباسی؛ مقصود رنجبری^۱

چکیده:

ایران و عربستان سعودی دو بازیگر برتر منطقه و رقیب یکدیگر در غرب آسیا محسوب می‌شوند. در این رابطه، تحولات عراق یکی از بازتاب‌های مهم سیاست‌های هم‌اوردی تهران و ریاض محسوب می‌شود. تحولات سیاسی و امنیتی ۲۰۰۳ در عراق، منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در سپهر سیاسی این کشور شد. در این راستا، عربستان تلاش نمود تا ضمن افزایش حوزه نفوذ و گسترش قلمروی ژئوپلیتیکی خود در عراق، از فراگیری نفوذ مادی و معنوی ایران در این کشور که به زعم سعودی‌ها نخستین دولت شیعه عربی و از حلقه‌های مهم محور مقاومت است، جلوگیری به عمل آورند. لذا هدف اصلی این پژوهش، تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و سازوکارهای تقابلی عربستان با اقدامات امنیت‌زای ایران و محور مقاومت در سپهر سیاسی عراق نوین می‌باشد. برای تحقق هدف اصلی از روش توصیفی-تحلیلی و از چارچوب نظری موازنه تهدید استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سعودی‌ها عراق را جزئی از محور مقاومت می‌دانند. با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور مخالف هستند. از دیدگاه آنها تداوم نفوذ ایران در عراق نه تنها جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی را ارتقا می‌دهد بلکه به تغییر موازنه قدرت به سود محور مقاومت منجر می‌شود. لذا با حمایت از اهل سنت، شیعیان سکولار، ایجاد بدبینی در رسانه‌ها بر ضد ایران، تلاش برای ایجاد ناامنی با تحریک داعش به حمله به عراق، نزدیکی به رژیم صهیونیستی و آمریکا با هدف تضعیف موازنه قدرت به ضرر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت گام برداشته‌اند.

واژگان اصلی: محور مقاومت، موازنه قدرت، موازنه تهدید، غرب آسیا، امنیت.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست خارجی دولت آمریکا تهاجمی شد و مبارزه با تروریسم، دولت‌های باغی و تسلیحات کشتار جمعی در صدر سیاست‌های غرب آسیا قرار گرفت. جرج دلبو بوش، رئیس‌جمهور وقت با ایراد سخنرانی ژانویه ۲۰۰۲ در کنگره، از سه کشور عراق، ایران و کره شمالی به‌عنوان محور شرارت یاد کرد. بوش در این سخنرانی با توصیف اثرات حمله تروریستی بر کشور خود، تعابیر غیرمنطقی خطاب به این کشورها بکار برد.

از دید آمریکا راه مقابله با خطرات فوق حمله پیشگیرانه بود. سرنگونی رژیم بعث در عراق سال ۲۰۰۳، علیرغم خوشنودی ایران و ایجاد فرصت‌هایی جهت بازتعریف نقش منطقه‌ای، مجموعه‌ای از تهدیدات با ماهیت نظامی، سیاسی، امنیتی ایجاد کرد. علاوه بر تهدیدات گذشته که از سوی عراق متوجه منافع و امنیت ملی ایران می‌شد، تهدیدات جدید نیز، منشأ نگرانی‌ها بودند. این تهدیدات را می‌توان در دو سطح دسته‌بندی کرد: اول سطح عراقی و دوم سطح خارجی و غیر عراقی.

در سطح عراقی، نگرانی‌های عمده ایران به شکل‌گیری یک دولت وابسته سکولار با گرایش‌های ناسیونالیسم عربی-عراقی متأثر از سیاست‌های آمریکا، خطر تجزیه عراق با استقلال کردستان عراق و پیامدهای آن بر امنیت ملی بود.

در سطح غیر عراقی، حضور نظامیان آمریکا در عراق و احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران و سیاست تغییر رژیم با تحریک و کمک‌های عربستان (به لحاظ افزایش تولید و تثبیت بازار جهانی نفت)، در صدر نگرانی‌های خارجی اولیه در سال‌های بعد از اشغال عراق و شکل‌گیری ساختار سیاسی نوین این کشور بود.

ایران و عربستان همواره به‌عنوان دو کشور مطرح و تأثیرگذار غرب آسیا به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، درصدد افزایش مهارت بازیگری، یارگیری، تأثیرگذاری و نفوذ هر چه بیشتر در منطقه برآمده‌اند تا با کسب موقعیت‌های استراتژیک برتر در غرب آسیا، امنیت و جایگاه آینده خود را تثبیت نمایند. لذا دو کشور مذکور با اتخاذ سیاست کنترل و هدایت یکدیگر، وارد کنش و واکنش تقابلی شده‌اند که یکی از حوزه‌های تقابل آن عراق و محور مقاومت است. تحولات سیاسی-امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی عراق نوین از ۲۰۰۳، به‌گونه‌ای رقم خورده که وضعیت شیعیان این کشور از گروهی منزوی و به‌دوراز موقعیت‌های حکومتی به نیروهایی پیشرو در معادلات حاکمیت و ساختار سیاسی تبدیل کرده است و این امر به سبب ماهیت شیعی نظام سیاسی ایران و هم‌فکری به نفع شیعیان عراق با ایران، باعث ارتقا آنها در ساختار منطقه‌ای، تکمیل محور مقاومت اسلامی، افزایش

نفوذ و قدرت چانه‌زنی و در نهایت تغییر موازنه قدرت شده است. روند تحولات سیاسی در عراق، بر اساس قواعد و اصول دموکراتیک، از زاویه نگاه اقلیت شیعی در عربستان و تأثیرپذیری از شیعیان عراق نیز قابل چشم‌پوشی نیست که این امر می‌تواند باعث افزایش فشار بر مقامات ریاض باشد و به شکل فزاینده‌ای به انشقاق چندوجهی قومی - مذهبی در عربستان منجر شود؛ همچنین مقامات ریاض این دغدغه را دارند تا شیعیان این کشور در محور مقاومت ایفای نقش داشته باشند و از شیعیان منطقه تأثیر بپذیرند.

این مسائل همراه با تغییر و تضعیف حاکمان سنی در پی بهار عربی، خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق، شکست داعش در سوریه و عراق و نقش مؤثر ایران در مبارزه با گروه‌های تروریستی، ناکامی عربستان در جنگ فرسایشی تهاجم به یمن از جمله امتیازهایی است که به محور مقاومت با پشتیبانی ایران تعلق گرفته و عربستان از آن بی‌نصیب مانده است؛ بنابراین، تلاش کرده‌اند تا با اقداماتی چون ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، کمک به جنگ‌های فرقه‌ای (داعش)، تحریک سلفی‌گری - تکفیری، تشکیل خلافت در بخش‌هایی از خاک عراق و دمیدن بر استقلال‌طلبی کردها، این تهدیدات را بالفعل سازند و با هدایت آن به ایجاد مشکلات و چالش‌های امنیتی برای ایران، محور مقاومت را نیز با اختلال مواجه کنند.

در همین راستا، مقاله حاضر در تلاش است بر اساس چهارچوب نظری نواقح‌گرایی موازنه تهدید و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، سازوکار اقدامات امنیت‌زای ایران و محور مقاومت و امنیت‌زدایی عربستان در سپهر سیاسی عراق که برای موازنه سازی منطقه‌ای و مهار نفوذ یکدیگر در سطح منطقه گام برمی‌دارند، مورد تحلیل و مطالعه قرار دهد.

۱- پیشینه و ادبیات تحقیق

پیرامون مقابله جویی عربستان با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در سپهر سیاسی عراق مقالات و کتابهایی به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده است که مهمترین آنها را می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

۱. کیهان برزگر (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «دلایل اجتناب ایران از درگیری با عربستان»

ریشه‌های خصومت میان ایران و عربستان را در سه حوزه رقابت ایدئولوژیک شیعه و سنی، رقابت ژئوپلیتیک مبنی بر نقش و نفوذ بیشتر در منطقه و دیدگاه‌های متضاد دو کشور درباره حضور آمریکا و چالش‌های امنیتی ناشی از آن می‌داند.

۲. سید امیر نیاکویی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت راهبرد عربستان علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق»، بیان می‌دارند که عربستان با استراتژی تغییر رژیم در سوریه و به چالش کشیدن هژمونی شیعیان در ساختار سیاسی عراق، به دنبال کاهش نفوذ ایران در منطقه و تضعیف محور مقاومت و اسلام‌گرایی انقلابی است.

۳. سید امیر نیاکویی و سجاد مرادی کلارده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق»، با بهره‌گیری از تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و بررسی رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مانند ترکیه، عربستان و آمریکا، سیاست‌های حمایتی آن‌ها را از برخی گروه‌ها و جریان‌های معارض دولت عراق، با هدف ایجاد چالش در قلمروی ژئوپلیتیک ایران و محور مقاومت ارزیابی می‌کنند.

۴. امین سیگال (۲۰۱۶) در اثر خود با عنوان «غرب آسیا و شمال آفریقا: ناحیه در حال تغییر یا گذار؟» به این یافته رسیده است که روندهای نوظهور منطقه‌ای از سال ۲۰۰۳ به بعد موجب شده تا عربستان تحرکات گسترده‌ای را برای دستیابی به مقام قدرت منطقه‌ای و مهار ایران انجام دهد. تحولات غرب آسیا پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان در سال ۲۰۱۵ به مرحله غیرقابل بازگشتی رسیده و این منطقه وارد گذار ژئوپلیتیک و مقاومت در برابر حکومت‌های مستبد و قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است.

۵. آندره پلبانی (۲۰۱۴) کتاب مجموعه مقالات نوسلفی‌گری؛ به ریشه‌های خیزش جریان نو سلفی‌گری در منطقه غرب آسیا پرداخته و تحولات داخلی عراق و دخالت بازیگران خارجی در زمینه شکل‌گیری این خلافت خودخوانده را تبیین می‌کند. نویسنده در مقاله نخستین این مجموعه با عنوان «میراث نمایان القاعده در عراق از زرقاوی تا خلافت اسلامی نوظهور» به بررسی سیاست‌ها و حمایت‌های کشورهای عرب منطقه از جمله عربستان به گروه تروریستی داعش باهدف مقابله با محور شیعی و در رأس آن ایران می‌پردازد.

۶. گرگوری گاست فرگوسن (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «عربستان: عراق، ایران، توازن قدرت منطقه‌ای و مسائل فرقه‌ای»، رقابت برای حفظ توازن قدرت سیاسی را عامل مؤثر در روابط ایران و عربستان می‌داند. فرگوسن معتقد است عراق پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان عرصه جدیدی برای رویارویی و رقابت بین ایران و عربستان تلقی شد. عربستان با نگرانی از گسترش نفوذ ایران در عراق نوین درصدد حمایت از معارضان سنی این کشور برآمده است و در این راستا به ارسال کمک‌های مالی و نظامی فراوانی برای شورشیان سنی عراق مبادرت ورزیده و در مقابل ایران نیز تلاش کرده تا عراق رابه محور مقاومت شیعی بیفزاید.

۲- چهارچوب نظری: نظریه موازنه تهدید

پیش از مفهوم‌سازی نظریه موازنه تهدید آشنایی با مفهوم موازنه قدرت به‌عنوان مهم‌ترین، بادوام‌ترین و مناقشه برانگیزترین نظریه سیاست بین‌الملل ضروری است مفهوم کلی و اساسی موازنه قدرت بر مبنای این ایده است که کشورها در پی افزایش قدرت یکدیگر، اقدام به واکنش کرده و این واکنش در قالب ائتلاف و اتحاد با دیگر بازیگران پدیدار می‌شود تا بتوانند قدرت فزاینده یکدیگر را خنثی کنند. هسته مرکزی و بنیادین نظریه موازنه قدرت، مفهوم قدرت است. هرگونه افزایش قدرت از سوی بازیگری با واکنش بازیگران مختلف روبه‌رو شده و آن‌ها را به اتحاد و ائتلاف‌سازی علیه دولت قدرتمند وادار می‌کند (Kaufman & Others, 2007:15). «موازنه تهدید» مفهومی است که استفان والت برای درک عمیق‌تر یا به تعبیر خود وی «پالایش» مفهوم سنتی «موازنه قوا» ارائه کرده است (Walt, 1988:281). مهم‌ترین گزاره‌های نظریه والت عبارت‌اند از: اول: دولت‌ها نه به قدرت بلکه به تهدید پاسخ می‌دهند. دوم: سطح تهدید، تحت تأثیر قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قرار دارد. سوم: پاسخ دولت‌ها به تهدید یا به شکل‌گیری اتحاد و یا دنباله‌روی از دولت تهدیدکننده است. چهارم: ایدئولوژی یکسان، کمک‌های گسترده اقتصادی - نظامی و سطح بالای نفوذ و لابی سیاسی، از عناصر مؤثر در شکل‌گیری اتحاد علیه دولت تهدیدگر است.

۱- Gregory Gause, F.

۲- Balance of Threat

۳- Balance of Power

۴- Stephen Walt

۵- Refinement

نظریه موازنه قوا پیش‌بینی می‌کند دولت‌ها علیه قدرتمندترین دولت در نظام بین‌الملل متحد می‌شوند، اما نظریه موازنه تهدید پیش‌بینی می‌کند که آن‌ها علیه تهدیدکننده‌ترین دولت متحد می‌شوند؛ بنابراین، نظریه دوم می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا یک دولت ممکن است علیه دیگر دولت که لزوماً قوی‌ترین نیست، اما تهدیدکننده‌ترین است اقدام به موازنه نماید (Walt, 1987: 5-7). استفان والت بر این اعتقاد است که بازیگران دولتی، نه بر اساس منطق توازن قوا، بلکه بر مبنای اصل توازن تهدید عمل می‌کنند (Walt, 1999: 223).

به بیانی دیگر، دولت‌ها در برابر هر قدرتی به سیاست توازن قوا روی نمی‌آورند، بلکه در مقابل بازیگری که افزایش قدرت آن را تهدید می‌پندارند، دست به موازنه سازی می‌زنند. کالین و مریم المان دو نظریه‌پرداز مهم این نظریه، مفهوم موازنه تهدید را به‌مثابه پیشرفتی لاکاتوشی در مفهوم موازنه قوای کنت والتز به حساب می‌آورند، زیرا مفهوم جدید، توانایی تبیین و تحلیل پدیده‌ها و وقایعی را دارد که مفهوم سنتی موازنه قوا از تبیین آن‌ها ناتوان است (Colin Elman & Miriam Elman, 2003: 20).

از نظر والت، «دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند؛ نخست آنکه دولت یا دولتهایی که مورد تهدید قرار گرفته‌اند، به دلیل وجود تهدید و بر اساس اصل توازن تهدید، دست به موازنه می‌زنند و دوم اینکه کشور یا کشورهای مورد تهدید، سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند، یعنی برای حفظ بقا و امنیت خود با طرف تهدیدکننده متحد می‌شوند» (چگنی زاده، ۱۳۸۹: ۳۱).

در این راستا می‌توان گفت؛ عربستان با توجه به فضای آنارشیک حاکم، در پی بیشینه‌سازی قدرت نسبی است و در این روند، تلاش می‌کند تا قدرت رقابیی همچون ایران را کاهش دهد. در ابتدای دوره پس از صدام، تضادهای ایدئولوژیک و رقابت‌های استراتژیک کلان حاکم بر روابط ایران و عربستان، دو کشور را به سمت توسعه رقابت‌های استراتژیک در حوزه عراق سوق داد و بر این اساس تبدیل کردن عراق نوین به متحد استراتژیک خود به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع رقابت بین تهران و ریاض مطرح شد. هم‌اکنون دو کشور در صدد محدود کردن جایگاه قدرت و حوزه نفوذ همدیگر در سپهر تحولات عراق برآمده و در تلاش‌اند از عرصه نفوذ و تأثیرگذاری طرف مقابل در سطح منطقه بکاهند. به نظر می‌رسد واقع‌گرایی تدافعی و به‌ویژه نظریه موازنه تهدید در مقایسه با نظریه موازنه

۱- Colin Elman & Miriam Elman

۲- Anarchy

قدرت، بهتر می‌تواند موضوع این مقاله را تبیین نماید. از دید والت قدرت یکی از مؤلفه‌های تهدید است نه همه آن. با این تعریف بین قدرت و تهدید تمایز قائل می‌شود و استدلال می‌کند تهدید و نه قدرت ثقل نگرانی امنیتی کشورها در صحنه نظام بین‌الملل است.

۳- سیاست های عربستان علیه اقدامات امنیت زای ایران در عراق

یکی از راهبردهای اساسی و استراتژیک عربستان در قبال افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران در غرب آسیا، اتحاد و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این زمینه، عربستان تلاش می‌کند با تشکیل ائتلاف‌ها و اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با همکاری آمریکا و اسرائیل، محور یکپارچه‌ای علیه ایران تشکیل دهد. از نظر عربستان، اساس این اتحادها، هراس از ایران به‌عنوان بازیگر کلیدی و رهبر محور مقاومت است که نقش هژمونی را در منطقه کسب کرده است و از طریق محور مقاومت، نظام‌های عربی و همچنین اسرائیل را تهدید می‌کند (Schuefan, 2017). عربستان در واکنش به سیاست‌های منطقه‌ای و در جهت محدود کردن قلمروی ژئوپلیتیکی ایران گام برمی‌دارد؛ آنها معتقدند که ایران قصد تغییر نظم سیاسی و موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع خود را دارد و در این راستا به کاهش قلمروی نفوذ و قدرت بازیگری ریاض در منطقه مبادرت می‌ورزد. ایران در تلاش است تا از طریق گسترش و تثبیت حلقه‌های محور مقاومت دایره نفوذ خود را به‌صورت فزاینده‌ای بر کشورهای منطقه گسترش داده و به توسعه حضور و نفوذ خود در این کشورها کمک کند و از این طریق نظام سیاسی و امنیتی کشورهای عراق، سوریه، لبنان، بحرین و یمن را هر چه بیشتر به خود وابسته کند (Mcinnis, 2016: 3). در همین راستا، با پیدایش منافع مشترک رژیم صهیونیستی و عربستان باهدف تقابل با ایران تلاش‌های مشترک هر دو برای مهار ایران و تبدیل شدن آن به هژمون منطقه (با توجه به درگیری نظامی در سوریه، عراق و یمن) افزایش یافت. در این زمینه، سران نظامی و امنیتی صهیونیست باهم دیدارهایی داشتند؛ به‌طوری‌که حتی بنا بر گزارش‌ها، رئیس موساد با رؤسای سرویس اطلاعاتی و امنیت ملی عربستان دیدار داشته است. همچنین، مدیر داگان (رئیس موساد، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ مذاکراتی با ریاض برای به‌کارگیری حریم هوایی برای حمله احتمالی به ایران داشت (Melman, 2017: 8)). فرید زکریا نیز در این خصوص

در حاشیه نشست مجمع جهانی اقتصاد (داووس سوئیس می‌گوید: «عربستان، اسرائیل را پیش از آنکه یک دشمن بداند، یک متحد می‌بیند، زیرا دو عامل اساسی آن‌ها را تهدید می‌کند: «ایران و محور مقاومت شیعی» (نجفی سیار و قل خانباز، ۱۳۹۶: ۴۵). همچنین برخی رسانه‌های صهیونیستی با ابراز خشنودی از ولیعهدی بن سلمان، آغاز به افشای روابط پشت پرده دو رژیم کرده و از دیدارهای محرمانه او با مقامات صهیونیستی دادند. روزنامه ی‌دی‌عوت آحارونوت^۱ به نقل از منابع اطلاعاتی خاطر نشان ساخت که محمد بن سلمان دیدارهایی با مقامات اسرائیلی داشته است و این مقامات اسم رمز «پسر» را برای او انتخاب کرده بودند (Dorell, 2017: 2). از سوی دیگر، برخی از سران صهیونیستی معتقدند که محمد بن سلمان در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، سیاست احتیاط را دنبال خواهد کرد، اما یقیناً در ادامه، رویکرد سیاسی‌ها به سمت وسوی توسعه روابط با این رژیم پیش خواهد رفت؛ تا جایی که ایجاد یک محور واحد و همسو با همکاری عربستان-اسرائیل برای از بین بردن دامنه نفوذ ایران و محور مقاومت در لبنان، عراق، سوریه و یمن را می‌توان محتمل دانست (McKernan, 2017: 43). عربستان پس از توافق مصر، اردن، امارات متحده عربی، پادشاهی بحرین، سودان و مراکش با رژیم صهیونیستی و به شرط تحقق چهار پیش‌شرط عربستان از جمله حق داشتن برنامه غیرنظامی (صلح‌آمیز) هسته‌ای، افزایش روابط نظامی، دفاعی و امنیتی و توسعه تجارت با آمریکا و پایان انتقادات واشنگتن از قتل جمال خاشقجی و سایر موارد اتهامی حقوق بشری با صرف‌نظر از آرمان و مسئله فلسطین، صرفاً برای برتری میدانی و دیپلماسی برای پیوستن به پیمان ابراهیم آماده عادی‌سازی روابط با رژیم شد. ولیعهد، به اسرائیل به چشم «یک هم‌پیمان بالقوه» و نه «یک دشمن» می‌نگرد. نقطه عطف تحول در سیاست خارجی عربستان را می‌توان در بیشینه‌سازی تقابل با ایران در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه و بویژه در عراق مشاهده کرد. در این زمینه، عربستان که از قدرت‌یابی ایران پس از ظهور دولت شیعی در عراق و تحولات غرب آسیا پس از بهار عربی و توافق هسته‌ای برجام میان ایران و غرب به شدت نگران شده بود؛ با گسترش بی سابقه روابط با آمریکا در دوره دونالد ترامپ، به ایجاد ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران در نشست ۲۰۱۷ ریاض به اتهام تروریسم پرداخت و در سازمان‌هایی مانند

۱- World Economic Forum

۲- Yedioth Ahronoth

۳- Abraham Accords

اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان همکاری های اسلامی، سازمان ملل متحد و ... اقدامات تبلیغاتی و عملیاتی وسیعی در مقابله با ایران و محور مقاومت در دستور کار قرارداد (جاودانی مقدم و حریر فروش، ۱۳۹۷: ۵۳). استفان والت به این موضوع اشاره دارد که هرگونه تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای نیازمند هماهنگی با بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل است. ائتلاف‌سازی فرمانطقه‌ای یکی از سیاست‌های سنتی عربستان محسوب می‌شود که در دهه‌های گذشته عمدتاً با محوریت آمریکا پیگیری شده است. سعودی‌ها انتظار دارند در ازای قراردادهای هنگفت خرید تسلیحاتی، دستکم از حمایت و پشتیبانی معنوی واشنگتن برای مقابله با قدرت و نفوذ فزاینده ایران در منطقه غرب آسیا برخوردار باشند (نورعلی وند، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۶). در این راستا؛ مقامات کاخ سفید معتقدند: «واشنگتن در تلاش است تا روابط نظامی خود با کشورهای منطقه را برای مقابله و کنترل مقاصد و رفتار منطقه‌ای ایران در غرب آسیا و محور مقاومت توسعه بخشد» (David, 2017: 13).

۴- اقدامات امنیت زدای عربستان در ظهور داعش و نا امن سازی ژئوپلیتیک عراق

عراق سال ۲۰۰۹ اولین سفیر خود را پس از اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰ به عربستان معرفی کرد. ژانویه ۲۰۱۲ نیز فهد عبدالله محسن الزید، سفیر عربستان در اردن به‌عنوان سفیر غیر مقیم ریاض در بغداد معرفی شد. عربستان دسامبر ۲۰۱۵ پس از ۲۵ سال سفارت خود را در عراق بازگشایی کرد و ژنرال ثامر السبهان را به‌عنوان سفیر مقیم معرفی کرد، رفتارهای خارج عرف دیپلماتیک السبهان، ابراهیم الجعفری وزیر خارجه عراق را واداشت اعلام کند تحرکات سفیر عربستان دخالت آشکار در امور داخلی عراق بوده و رفتارهای السبهان در شأن سفیر نمی‌باشد، این موضوع به‌صورت رسمی نیز به السبهان ابلاغ شد. ریاض، ژنرال «عبدالعزیز بن خالد الشمری» را به‌عنوان کاردار عربستان در عراق معرفی کرد.

پس از روی کار آمدن حیدر العبادی، عادل الجبیر در فوریه ۲۰۱۷ سفر دیپلماتیک به عراق داشت. حیدر العبادی با در پیش گرفتن سیاست درهای باز و سفر ژوئن ۲۰۱۷ به عربستان و دیدار بن سلمان، در گفتگویی با شبکه الحرّه گفت: عربستان فکر می‌کند عراق از ایران پیروی می‌کند و همچنین مردم عراق فکر می‌کنند که عربستان از تروریسم حمایت می‌کند، اما هر دوی این تفکرات

اشتباه هستند. العبادی در این سفر ژنرال الشمری را به‌عنوان سفیر جدید عربستان پذیرفت، سفر العبادی به عربستان ۲ بار و با بن سلمان علاوه بر ۲ دیدار در ریاض، ۱ دیدار مارس ۲۰۱۷ در حاشیه اجلاس سران اتحادیه عرب در اردن در داشت. الشمری عملاً سفارت عربستان در بغداد را به اتاق عملیات امنیتی برای اداره گروه‌های تروریستی و مسلح در عراق تبدیل کرد.
(fa.alalam.ir/news/1872556)

مقامات بلندپایه عراق معتقدند که سعودی‌ها با ارائه کمک‌های مالی و رسانه‌ای و نیز حمایت‌های آموزشی و فکری از جریان وهابیت، عامل بسیاری از تنش‌ها و انفجارهای خونین در عراق بوده است (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). بی‌زنس اینسایدر می‌گوید: «داعش کمک‌ها و هدایای خصوصی از سنی‌های مرفه کشورهای متحد آمریکا از جمله عربستان دریافت می‌کند. پیش از ماه مارس ۲۰۱۴، نخست‌وزیر وقت عراق، نوری المالکی، عربستان و قطر را متهم کرد که آشکارا داعش را حمایت می‌کنند. وی به تلویزیون فرانس ۲۴ گفت: «من عربستان و قطر را مسئول تحریک و تشویق این جنبش‌های تروریستی می‌دانم. من آن‌ها را مسئول حمایت از داعش به لحاظ سیاسی و رسانه‌ای و تدارک پول برای خرید اسلحه می‌دانم (التیامی نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). سر تیترا اصلی ایندیندنت ۳ دسامبر ۲۰۱۴ با این عنوان شروع شد: «بحران عراق: چطور عربستان به داعش کمک کرد تا شمال عراق را به تصرف درآورد؟» و در ادامه نوشت: «از چند ماه قبل از ۱۱ سپتامبر تا همین اواخر، بندر بن سلطان، سفیر سابق در واشنگتن و رئیس سابق استخبارات عربستان، گفت وگوهای شومی با رئیس سرویس اطلاعات بریتانیا آقای سر ریچارد دیرلاو داشت». بندر به وی گفت: «در آینده نزدیک فقط خدا در غرب آسیا می‌تواند به داد شیعه برسد. بیش از یک میلیارد سنی از پس آن‌ها بر خواهند آمد (التیامی نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۵). بسیاری از تحلیلگران غربی، داعش را ابزار دست عربستان و گروهی مورد حمایت این کشور می‌دانند و حمله داعش به تمامیت ارضی عراق را اعلام جنگ عربستان علیه ایران تحلیل کرده‌اند (شهریاری، ۱۳۹۶: ۳۰۳). سر ریچارد دیرلاو،^۷ رئیس

۱ - شبکه تلویزیون ماهواره‌ای دولتی مستقر در آمریکا.

۲- Business Insider

۳- Independent

۴ - بندر بن سلطان بن عبدالعزیز (۱۹۴۹- اکتبر ۲۰۱۹)

۵- M.I.۶

۶- Sir Richard Dear Love

۷- Sir Richard Deerlau

سازمان اطلاعات مخفی انگلستان، در این مورد گفت: «غیرممکن است که افزایش اقدام‌های داعش در مناطق سنی نشین عراق و همکاری سنی‌ها با داعش بدون رضایت مأموران عربستان باشد» (Patrick, 2014: 1). در همین زمینه، گونتر مایر مدیر مرکز تحقیقات در جهان عرب در دانشگاه ماینز معتقد است: «مهم‌ترین منبع مالی برای داعش، کمک‌های کشورهای خلیج فارس و از همه مهم‌تر عربستان است» (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). گروه تروریستی داعش اولاً به دولتی حمله‌ور شد که در نتیجه انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰، منجر به بهبودی اوضاع سیاسی شیعه و گسترش ژئوپلیتیکی آن و به تبع آن ارتقای جایگاه ایران و محور مقاومت در منطقه غرب آسیا شده بود. ثانیاً ریاض با حمایت مالی و نظامی از اقدامات تهاجمی داعش علیه بازیگران محور مقاومت، تسلیحات پیشرفته و قابل توجهی به داعش منتقل کرد تا با انجام این امر خطوط ارتباطی ایران با سواحل شرقی دریای مدیترانه را دچار مشکل کند؛ این پل ارتباطی از طریق عراق و به‌ویژه مناطقی در غرب این کشور - که به اشغال داعش درآمده بود- ایران را به سوریه و لبنان متصل می‌کرد (شهریاری، ۱۳۹۶: ۳۰۳). فشار حداکثری بن سلمان به غرب و مقامات عراق در عدم استفاده از نیروهای حشدالشعبی و کمک‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی از جریان‌ات سلفی - تکفیری در عراق، بخشی از اقدامات و سیاست‌های منطقه‌ای عربستان در غرب آسیا، متعاقب تحولات تحولات منطقه ای بود (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). سران داعش، ارتش عراق را «جیش الصفویه» و فاقد هویت عربی، مشرک و مرتد می‌دانستند و معتقد بودند که جنگ با مرتدین از کفار اصلی، واجب‌تر است (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۰).

ورود حزب‌الله برای مبارزه با داعش، عناد آنان را نسبت به محور مقاومت تشدید کرد (شیرودی، 94: 1394). جرج فریدمن، مدیر اندیشکده اسرافور معتقد است: از نظر ایران، داعش، دارای این توان است که دولت بغداد را سرنگون کند و موقعیت ایران را در عراق با چالش مواجه سازد؛ بنابراین تسلط داعش حتی بر بخش‌هایی کوچک از عراق هم برای ایران، پذیرفتنی نیست (فریدمن، ۱۳۹۳).

اقدام‌های ایران در حفظ محور مقاومت و تلاش‌های محور غربی - عربی ضد ایران و مهار جنبش‌های شیعی، باعث شد که ائتلافی میان عربستان، اسرائیل و آمریکا بر محور حمایت از داعش

۱- Gunter Meyer

۲- Mainz

۳- Stratfor

در عراق باهدف مهار ایران و محور مقاومت شکل بگیرد. (حلی، 1388:92).

اسرائیل بیشترین نفع را از تجزیه دولتهایی بزرگ مانند عراق و سوریه و درگیری داخلی کشورهای اسلامی می‌برد. در عراق برای برقراری ثبات به دلیل تثبیت قدرت گروه‌های شیعی، امنیت مرزهای ایران و مهار گرایش گریز از مرکز کردها، برای اسرائیل قابل قبول نیست (Shay, 2014). در همین راستا در بحبوحه اعتراضات عراقی، اسرائیل طی تابستان ۲۰۱۹ در چندین نوبت پایگاه‌های نظامی گروه حشدالشعبی که شبه‌نظامیان شیعی هستند را با هواپیماهای بدون سرنشین بمباران کرد. (Jerusalem Post, 2019) در سطح فرامنطقه‌ای نیز، آمریکا به جای حضور مستقیم سعی داشت از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران، مانند سال‌های پس از اشغال عراق از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان و سایر متحدان خود در حمایت از داعش برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران استفاده کند (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰) در واقع در بحران کنونی غرب آسیا، این منازعه نیابتی، میان دو دسته بازیگران جریان دارد: یک سمت، آمریکا و کارگران منطقه‌ای آن یعنی عربستان، ترکیه، اسرائیل و گروه‌های داعش و القاعده و سمت دیگر ایران، عراق، سوریه، یمن و حزب‌الله (محور مقاومت) هستند که به مقابله با سیاست‌های گروه اول می‌پردازند (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

بی‌ثباتی و ناامن کردن عراق می‌توانست با دو هدف عمده بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد و تمامیت ارضی این کشور را با تهدید جدی مواجه سازد؛ نخست اینکه، ایران به شکل گسترده‌ای درگیر مسائل داخلی و امنیتی عراق شده و هم‌زمان نگرانی و دغدغه ذهنی خود را معطوف به دو محور یعنی سوریه و عراق کند. گسترش و ادامه ناامنی در سوریه و عراق به‌عنوان دو حلقه امنیتی فوری و غیر فوری ایران، تهدیدی امنیتی و سرزمینی برای ایران محسوب می‌شود. در این صورت، عراق به‌عنوان حائلی راهبردی بین ایران و سوریه، می‌توانست به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بینجامد و از توان تدافعی و قدرت بازیگری ایران در منطقه غرب آسیا بکاهد. دوم اینکه، با تشدید و ادامه اقدامات نظامی و تهاجمی در خاک عراق، دامنه جنگ و درگیری را به سمت مرزهای غربی ایران کشانده و در این محور نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل و فصل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی با عراق معطوف کند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۶).

۵- اقدامات امنیت زای ایران در سپهر عراق

اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی در عراق از دو جنبه قابل بررسی می‌باشد، یک منظر سلبی می‌باشد و منظر دیگر ایجابی می‌باشد. یکی از این اقدامات

سلبی ایران در عراق اخراج سازمان مجاهدین است. منافقین از طریق شونو بی سیم، تخلیه تلفنی و ... اطلاعات مراکز نظامی و فرماندهان محور مقاومت را در عراق و سوریه را جمع‌آوری و از طریق «مرکز جسور للدراسات» یک مرکز مطالعاتی وابسته به معارضان سوری و دارای دو دفتر اصلی در آمریکا و لبنان، اطلاعات دریافتی از منافقین را در اختیار برخی گروه‌های تکفیری شامل داعش و حتی صهیونیست‌ها قرار می‌دادند. بر اساس یکی از اسناد کشف شده از مقر تکفیری‌ها در سوریه، اطلاعات منافقین درباره یکی از مقرهای نیروهای محور مقاومت با محل شهادت شهید بدرالدین مشابهت دارد. گروهک منافقین در گزارش اطلاعاتی خودش، مقر مورد اشاره را به عنوان مرکز فرماندهی محور مقاومت و محل رفت و آمد آن‌ها معرفی کرده بود. مقر «الزجاجی» یکی از مقرهای نیروهای مقاومت حزب‌الله در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی دمشق بود که به عنوان هدف ویژه و مشترک میان منافقین و چند گروه تکفیری برای جاسوسی تعریف شده بود. اطلاعات جاسوسی نفاق در کنار بازوی تروریستی گروه‌های تکفیری موجب شهادت این فرمانده مقاومت شد.

(<https://irannewspaper.ir/sp-336/50/88622>) از دیگر اقدامات سلبی دیگر ایران در محیط امنیتی عراق کمک به دولت این کشور در سرکوب گروه تروریستی داعش بود. در این رابطه سرلشکر عثمان الغامی فرمانده ستاد مشترک ارتش عراق در دیدار با قاسم تقی زاده معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، به صراحت اعلام کرد که: «وجود مشاوران نظامی ایرانی و کمک‌های مهم جمهوری اسلامی یکی از مهمترین عوامل پیروزی‌های عراق در برابر داعش بوده است.»

(iribnews.ir/fa/news/1417136)

از جمله اقدامات ایجابی امنیت زای ایران، گردشگری زیارتی است. سفرهای زیارتی برای دو کشور ایران و عراق نوین کارکردهای فرهنگی دارد از جمله پس از انقلاب، به اقتضای منطق اسلامی و انقلابی بودن، ایران دو هدف غیر عرفی «تشکیل امت واحد اسلامی» و «دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان» (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) را در سیاست خارجی برای خود لحاظ نموده است که زمینه‌سازی برای همگرایی اسلامی ایجاد می‌نماید. نمونه بارز این گردشگری زیارتی پیاده‌روی اربعین است، بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان خاص (شیعه)، در مکان خاص، از مسیر خاص، زمان خاص، برای امر خاص. می‌توان با قاطعیت نوشت اربعین در ارتقای پرستیژ ژئوپلیتیکی تشیع و شکل‌گیری اندیشه مقاومت در برابر ظلم نقش بسزایی دارد.

زائر - توریست‌ها غالباً در زمره آرام‌ترین و صلح‌آفرینی و به لحاظ فراوانی انجام اعمال

خسونت‌آمیز، در پایین‌ترین رده از هر جدول آماری قرار می‌گیرند، و زائران ایرانی با فرهنگ متعالی (نقیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۷) این توانایی را دارند در جایگاه سفیران صلح و امنیت اماکن زیارتی، به‌ویژه در عراق قربانی تروریسم، آدم‌ربایی و بمب‌گذاری شوند (Nasr, 2004: 8)، بذره‌های معنویت و دنیا‌گریزی را بپراکنند و صلح‌آفرینی را در درازمدت در منطقه نهادینه سازند (ولدانی، ۱۳۸۷: ۸۶).

همچنین مشارکت ایران در بازسازی عراق با تمرکز بر بازسازی عتبات عالیات از پیامدهای این حرکت عظیم است، بازسازی عراق پس از صدام در صدر اولویت‌ها و الزام‌های امنیتی دولت شیعی عراق قرار گرفته است و به منابع مالی کلانی نیاز دارد. (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۲۶۰) اقتصاد فرومانده عراق قادر به تأمین هزینه‌های مادی توسعه و مرمت نبود و ایران برای بهره‌مندی معنوی و مادی از این تجربه، برای ورود فعال در تعاملات منطقه‌ای، اشتیاق خود را برای مشارکت در بازسازی عراق با جدیت آشکار ساخت (آیتی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در راستای پیشبرد راهبرد سیاست خارجی خود، همواره از ابزارهای ایدئولوژی - اسلامگرایی، کمک‌های اقتصادی - نظامی - امنیتی و سطح بالای نفوذ و لابی سیاسی از طریق حضور مؤثر در معادلات سیاسی داخلی عراق بهره گرفته است. راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران در دوره پس از صدام، مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی عراق از طریق حمایت از یک دولت یکپارچه و متحد بوده است. حمایت از چنین دولتی، نه تنها می‌توانست به کاهش نفوذ آمریکا کمک و مانع از اجرای طرح‌های واشنگتن از طریق دولت عراق علیه ایران شود، بلکه نگرانی‌های جمهوری اسلامی در خصوص حفظ تمامیت ارضی عراق را نیز برطرف می‌کرد. از سوی دیگر، با توجه به اکثریت جمعیت شیعه در عراق، شکل‌گیری مجلس و دولت با اکثریت شیعیان که به به لحاظ سیاسی به جمهوری اسلامی ایران گرایش دارند، موجب گردید که رابطه گرمی میان بغداد و تهران شکل بگیرد. به طوری که در زمان حمله داعش به عراق جمهوری اسلامی ایران تنها کشور منطقه بود که به بغداد کمک کرد تا امنیت و تمامیت ارضی خود را بازباید و بر تروریست‌های داعش پیروز شود. همچنین نزدیکی مذهبی و فرهنگی دو کشور ایران و عراق که نمونه آن را در اجتماع و راهپیمایی اربعین می‌توان مشاهده کرد و تشکیل حشد الشعبی با هدف مقابله با حضور اشغالگران آمریکایی، مبارزه با تروریسم و کمک به حفظ امنیت عراق و نزدیکی آنها به جمهوری اسلامی ایران موجب گردید که عراق عملاً بعنوان یکی از حلقه‌های محور مقاومت در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

اما سیاست عربستان در عراق مبتنی بر مقابله با گسترش دایره نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و همچنین جلوگیری از توسعه هر چه بیشتر قلمروی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی و محور مقاومت در غرب آسیا بوده است و بر مبنای این راهبرد، علاوه بر نادیده گرفتن روند سیاسی عراق نوین و تحولات ژئوپلیتیکی آن، دست به اقدامات و تحرکات دیگری از جمله حمایت و پشتیبانی از حمله گروه تروریستی داعش به عراق، تقویت هویت سنی به‌عنوان واکنشی در برابر احیای هویت شیعی، دامن زدن به ناامنی‌ها در حوزه ژئوپلیتیکی ایران، سیاست نزدیکی به رژیم صهیونیستی و آمریکا در قالب اتحادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زده است. عربستان تلاش کرده است تا با استفاده‌های گوناگون از قدرت نرم و سخت خود در میان اقلیت سنی عراق، دولت حاکم بر ساختار سیاسی عراق را با چالش‌ها و مشکلات اساسی مواجه سازد و از این طریق حوزه نفوذ و قلمروی ژئوپلیتیکی ایران را در عراق تهدید کند. آنها معتقدند که از این طریق می‌توانند موازنه قدرت در منطقه را به ضرر تهران و به سود خود تغییر دهند و با خروج عراق از حلقه محور مقاومت، امنیت متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را حفظ کنند.

منابع

- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۲). منازعه راهبردی ایران و عربستان، تهران: انتشارات اندیشکده راهبردی تبیین
- ازغندی، علیرضا؛ آقا علیخانی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴). سیاست، شماره ۴۳.
- آدمی، علی و ابراهیمی پور، حوا (۱۳۹۳). جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی جدید عراق، شیعه‌شناسی، دوره دوازدهم، شماره ۴۶.
- آیتی، علیرضا (۱۳۸۹). عراق کانون تأثیرگذار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، روابط خارجی؛ سال اول، ش ۱.
- پوراحمدی، حسین و عباسی، بهرام (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در غرب آسیا، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۳.
- پورحسین، ناصر (۱۳۹۳). داعش و ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی، مطالعات فلسطین، شماره ۲۶، پاییز.
- توکلی، سعید (۱۳۹۳). القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات، آفاق امنیت، سال هفتم، ش ۲۳.
- جاودانی مقدم، مهدی و حریر فروش، حامد (۱۳۹۷). واکاوی زمینه‌ها و ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان در غرب آسیا، سپهر سیاست، شماره ۱۵.
- جعفری ولدانی، جعفر (۱۳۸۴). عراق پس از سقوط صدام، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). چالش‌ها و منازعات در غرب آسیا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری ولدانی، اصغر و پیر هادی، محسن (۱۳۹۵). جایگزینی نفوذ آمریکا به جای انگلیس در ایران (۱۹۷۹-۱۹۵۳)، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۲.
- جواد، سارا و ایکبری، جان (۱۳۸۳). تنها ابرقدرت: هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه؛ عظیم فضلی پور، مندرج در تنها ابرقدرت، تهران: ابرار معاصر تهران، چاپ دوم.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۳). تروریست‌های جهان چه کسانی هستند؟، ترجمه مجتبی طاهری، گزارش راهبردی، شماره ۱۳۱۱۲۲۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۸). تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران: انتشارات زوار.

دهشیری، محمدرضا و حسینی، سید محمدحسین (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان، روابط خارجی، شماره ۸

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
زارعان، احمد (۱۳۹۳). زمینه های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، آفاق امنیت، شماره ۲۳.

شهریاری، محمدعلی (۱۳۹۶). تحلیل روابط ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها، مجلس و راهبرد، شماره ۲۴.

شیرودی، مرتضی (۱۳۹۴): «مدل راهبردی (swot) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، ایران و راه‌های برون‌رفت»، پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۸

فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸). جریان صدر و ظهور واپسگرایی هویتی در محور مقاومت در دو بعد کلان سخت و نرم، تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۸.

فریدمن، جرج (۱۳۹۳/۰۹/۱۰): «داعش ژئوپلیتیک غرب آسیا را تغییر داده است»؛ ترجمه مرکز رصد راهبردی اشراف/ <http://www.eshraf.ir/html۳۶۰۸/> تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۴.

مرادی کلارده، سجاد و روحی ده بنه، مجید و سیمبر، رضا (۱۳۹۶). انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۳.

مرادی کلارده، سجاد و هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۶). راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی غرب آسیا: ویژگی‌ها و اهداف، روابط خارجی، شماره ۹.

نجات، سید علی (۱۳۹۴). گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، سیاست، شماره ۶.

نجفی سیار، رحمان و قل خانباز، خلیل (۱۳۹۶). دلایل و نشانگان رویکرد تهاجمی عربستان علیه ایران، روابط خارجی، شماره ۹.

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲) تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۶). عربستان و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران، مطالعات راهبردی، شماره ۹.

نیاکوئی، سید امیر و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴). ماهیت راهبرد عربستان علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۵(۱۷)، ۹۵-۱۱۰.

نیاکوئی، سید امیر و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۴). رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، روابط خارجی، ۱۷(۱)، ۱۲۱-۱۶۸.

هدایتی شهیدانی، مهدی و سجاد مرادی، کلارده (۱۳۹۳). مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چند سطحی، آفاق امنیت، ۷(۲۳)، ۲۲۹-۲۵۵.

هراتی، محمدجواد، سلیمانی، رضا و عبادی، عبدالواحد (۱۳۹۴). بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط دوجانبه ایران و عربستان، سیاست جهانی، ۴(۳)، ۱۴۹-۱۹۴.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۸). مجموعه مقالات غرب آسیا و جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

Addis, Casey L.(2010), "Iran: Regional perspectives and U. S. Policy", Congressional Research Service, January 13, 2010, Available at: <http://fpc.State.Gov/documents/organization/137259.Pdf>

Beech, Eric,)2019(, "U.S.'s Pompeo urges Iraq's prime minister to tackle protesters' grievances", The Reuters, 9 October 2019, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iraq-protests-usa/uss-pompeo-urges-iraqprime-minister-to-tackle-protesters-grievances-idUSKBN1W0034>

Coalition Provisional Authority Order Number 1: De-Ba'athification of Iraqi Society"(PDF). The Coalition Provisional Authority. May 16, 2003. Archived from the original(PDF) on 21 June 2004. Retrieved December 13, 2011.

Coalition Provisional Authority Order Number 2: Dissolution of Entities"(PDF). The Coalition Provisional Authority. August 23, 2003. Archived from the original(PDF) on 1 July 2004. Retrieved December 9, 2008.

Cordesman, Anthony H.(2010), "Saudi Militants in Iraq: Assesment and Kingdom's Response", Center for Strategic and International Studies, Available at: <http://www.Csis.Org>.

David, Javier E.(2017), "US-Saudi Arabia seal weapons deal worth nearly \$110 billion immediately, \$350 billion over 10 years", Available at: <https://www.cnbc.com>

Dorell, Oren(2017), "Why the U.S. cares about Saudi Arabia's newly named crown prince?", USA Today, 21 June 2017

- Goodarzi, Jubin(2013), "Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment". Ortadogu Etutleri. Vol. 4. No. 2, pp. 23-59
- Gregory, Gause, F.(2007), "Saudi Arabia: Iraq, Iran, the Regional Power Balance, and the Sectarian Question", Strategic Insights, v. 6, issue 2, March 2007.
- <https://irannewspaper.ir/sp-336/50/88622>
- [https:// iribnews.ir/fa/news/1417136/](https://iribnews.ir/fa/news/1417136/)
- Kalout, Hussein(2015), "The Geopolitics of the Arab World and the Comprehensive Nuclear Agreement", receivable in: Iran and the Arab World after the Nuclear Deal: Rivalry and Engagement in a New Era, Available at:
- <http://belfercenter.org/theiranproject>.
- Kaufman, Stuart J, Richard little and William C. Wohlforth(2007) "The balance of Power in World History", Palgrave macmillan.
- Little, Richard(2011). Evolution in theories of balance of power. Translated by Gholam Ali Chegni Zadeh, Tehran: Abrar Contemporary International Studies and Research Institute, pp.1-448.(in Persian).
- McInnis, J. Matthew(2016), "Can Saudi Arabia really 'share the neighborhood' with Iran?", available at: <http://nationalinterest.org/blog>
- McKernan, Bethan(2017),"Mohammed bin Salman: Who is Saudi Arabia's new Crown Prince?", The Independente, 21 June 2017
- Melman, Yossi(2017), "Israel and Saudi's secret ambition: Is it on track?", Middleeasteye, 5 July, Available at:
- <https://www.middleeasteye.net/columns/israel-and-saudis-secret-ambitionswill-they-take-flight-472373229/>
- Nasr, Vali, Regional Implication of Shia revival in Iraq, The Washington quarterly, vol.27, n.39, summer 2004.
- <http://nationalinterest.org/feature/the-salman-doctrine-thesaudi-reply-obamasweakness-15623>
- Pewforum,(2013), "Many Sunnis and Shias Worry about Religious Conflict", Pew Research Center.
- Plebani, Andrea(2014), "The Unfolding Legacy of al-Qa'idA in Iraq: From al-Zarqawi to the New Islamic Caliphate", Università Cattolica del Scaro Cuore, Vol. 5, No. 4, pp. 1-36
- Prifti, Bledar(2017), US Foreign Policy in the Middle East: The Case for Continuity: Springer, pp. 1-163
- Saikal, Amin(2016), The Arab World and Iran: A Turbulent Region in Transition, New York: Palgrave Macmillan US, pp. 1-231

- Schueftan, Dan(2017), "Israel's Regional Alliances: Strategic relations with Saudi Arabia and the Gulf States in historical perspective", Mideast Security and Policy Studies, No. 133, May, pp. 32-62leigh
- Unpo(2013), "Iraq: The Situation of Ethnic and Religious Minorities", Briefing Paper.
- Walt, Stephen M.(1985), "Alliance Formation and the Balance of World power", journal of International security, Vol. 9, No. 4(Spring, 1985), pp. 3- 43
- Walt, Stephen M.(1987), The Origins of Alliance, Ithaca, NY: Cornell University Press, pp. 1-336
- Walt, Stephen(1988), "Testing Theories of alliance formation: the Case of Southwest Asia", International Organization, Vol. 42, No. 2(Spring, 1988), pp. 275-316